



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۲/۰۱

پوهاند محمد بشیر دودیال

باید روئین تن میبودیم، که نیستیم



ترسم با نزدیک شدن هشت مارچ، نوروز، ۷ و ۸ ثور و ۲۶ سرطان و به مناسبت چندمین و چندمین سالگرد های حوادث مختلف نوک قلمها تیز و تبصره ها و نوشته های موافق و مخالف و متضاد اوج گیرد. چنانچه طی چندسال گذشته شاهد چنین نوشته هابودیم. بعضی دوستان انواع منکرات صریح دیگر را نادیده گرفته تجلیل از هشت مارچ را ناروا قلمداد خواهند نمود، بعضی دیگر نوروز را که یک تحول تقویمی و حادثه ی مملو از حکمت های خداوندی است و انسان را وادار به کار و زحمت، غرس نهال و بذر تخم فلاحیت مینماید، تکفیر خواهند نمود. عده ی هم به مناسبت های ۷، ۸ ثور و ۲۶ سرطان به همدیگر شاه پرست، سردار پرست، کمونیست پرست و تنظیم پرست خطاب نموده، آزردگی های دیرینه را تازه خواهند نمود. بس است دیگر؛ بیایید امسال به این حوادث از منظر جدید نگاه کنیم:

هشت مارچ فقط روز همبستگی زنان در سراسر جهان است. زنان و خواهران افغان را باید غرض توانمند شدن شان درین روز انگیزه داد، و از مقام شان در جامعه تجلیل نمود. نوروز را به مثابه یک تحول و حیات مجدد در زراعت تجلیل نمود و دهقان و مالدار کشور را انگیزه داد تا به زحمات شباروزی شان در فراهم آوری غله و دانه کار و پیکار نمایند و باکسب رزق حلال مصدر خدمت بخود و هموطنان گردند.

به همین ترتیب؛ حوادث سیاسی و روزهای بد چهل و شش سال گذشته نیز سپری شد. در واقعیت این مدت ۴۶ سال بدترین ایام تاریخ کشور بود. به هر ترتیب؛ باید از تمام آن بیاموزیم. ما تاریخ را کم ارزش نمیدانیم (آنکه تاریخ گذشته را به تفنگچه میزند، در حقیقت آینده اش را به توپ بسته است). بی. ال. فیدیا دانشمند هندی میگوید: هیچکس در امروز قرار ندارد و امروز را نمیداند، مگر آنکه تاریخ را بداند.

تمام این حوادث تلخ جز تاریخ شدند و حتماً تاریخ در مورد آنها قضاوت خودش را خواهد نمود و باید از آن بیاموزیم. یقین داریم قلم دیگری مانند قلم غبار تاریخ علمی و واقعی این ملت نجیب و عظیم را چنان حک خواهد نمود که احدی نتواند از حکم آن سرباز زند و هیچ پنسل پاک آن را پاک نخواهد توانست.

می دانیم که موقعیت سوق الجیشی (به مفاهیم جدید امروزه موقعیت جیواکونومیک و جیوپولیتیک) کشور ما خیلی حساس است. قدرت های گوناگون در دوران های مختلف متوجه این موقعیت بوده و از هر زاویه و بیشه بدان کمین گرفته بودند و اکنون نیز در کمین اند، چنانچه نام های سکندر، انگریز، چنگیز، تیمور، گرگین صفوی، روس و غیره را حتا عوام می دانند. و اینک اکنون با قرار گرفتن موج ابرو - ایشیا در مقابل دایناسور انتلانتیزم این موقعیت اهمیت هرچه بیشتر کسب نموده و می ترسیم که بر علاوه موقعیت ما، منابع ما برای ما به آفت، اشاره به (natural resource curse) تبدیل نگردد.

در صورتیکه شاهد مکرر چنین حوادث بوده ایم، پس چرا آبدیده نمی شویم؟ چرا روئین تن نمی شویم و چرا به آینده ننگریم؟

فرض کنیم، هیچ یک از حوادث فوق رُخ نمیداد و نظام سلطنتی و حتا نخستین جمهوری ما تا اکنون برپامیبود، ایا افغانستان مانند عراق، ایران، سوریه و لیبیا دچار کدام (بهار؟) نمی شد؟ حتا علایم چنین بهار در سال دوم نظام جمهوری هویدا شد. کاملاً واضح بود که از چهار طرف میخواستند نظام پنجاه ساله بعد از امیر حبیب الله کلکانی را نابود سازند، چه بدست حزب دیموکراتیک خلق و چه بدست نهضت اسلامی. فرض کنید نهضت اسلامی بر حزب خلق پیشقدم میشد، ایا وضعیت امروز ما بهتر از حالا یا لااقل بهتر از عراق و ایران میبود؟ به فکر یکده هوشمندان؛ بعد از هر پنجاه- شصت سال ما با یک سونامی روبرو شده ایم. اگر روئین تن نمی بودیم چنانکه نبودیم پس حتماً ثبات دوران سلطنت و جمهوری اول دوام نمی آورد و دیدیم که دوام نیاورد، الی مگر آنکه روئین تن میبودیم. پس مهم این است که همین حالا نیز که دیر شده، ولی دیر نشده و اضافه ازین دیر نشود، عوض آنکه قلمها را به سوی همدیگر نشانه گرفته حوادث حلاجی شده را مکرراً بازنویسی نماییم، بهتر است متوجه آینده شده مردان آهنین مانند رهبر سینگاپور، مردان مانند گاندی رهبر هند، نهرو، کینگ، شیرشاه، میرویس، وزیر یار محمدحان، شاه امان الله و سایرین را پرورش دهیم تا مانند دژ فولادین در مقابل حوادث حتمی آمدنی بایستند و ملت را متحد سازند. **باید روئین تن میبودیم، که نیستیم.**

در آن روزی که رهبری حزب دیموکراتیک خلق به اشتباهات و گناهان نابخشودنی اش اعتراف نمود و از مردم عفو خواست، گردن به مصالحه نهاد و حاضر به تسلیمی قدرت به عناصر ملیگرا گردید، باید مانند روئین تنان در مقابل حوادث بعدی میایستادیم، باید دیگر روئین تن میبودیم، که نبودیم. انگه که نشد، باید در کنفرانس بُن اول دیگر بایدحتماً روئین تن میبودیم که نبودیم. بحران در پی بحران تا بکی؟

پیشان (داوی بزرگ) سالها قبل ندا بر آورد:

تابه کی

تا کی از جور و ستم، شکوه و فریاد کنید

سعی بر هم زدن منشا بیداد کنید...

(الخ)

فرصت آن فرارسیده است که در داخل و خارج کشور و سراسر جهان با هم متحد شده، باخطر تامین ثبات، تحفظ ارزشهای مدنی و جمهوری، سلامتی قانون و احترام به آزادی و کرامت انسانی، برگرداندن زندگی آبرومندبه هموطنان، جبهه ی متحد را سازماندهی نموده، منحصیث اولاد تعلیم یافته که با زحمات پدران رنج دیده پرورش یافته ایم، در مقابل ملت وجیهه و دین تاریخی خود را ادا نماییم. به سید بیدارگر و طرزی قلمدار ضرورت داریم، باید درفش افتاده جوانان بیدار را برداریم و یک مشروطه چهارم را بحرکت آوریم. بیائید از فرصت و موقعیت فوق العاده ارزشمند جیواکونومیک و جیو پولیتیک کشور به نفع خود ما استفاده بریم. از تاریخ بیاموزیم و متحدانه توجه بشریت انساندوست را به سرزمین خاک و خون تپیده معطوف ساخته، منحصیث پیشقراولان ناجی و سالاران راه سعادت ندای وحدت ملی، وفاق و روشنگری را بلند نموده ، منادیان حیات نوین گردیم. توطئه ها را برملا سازیم، فکر، قلم، اعتبار و انرژی خود را در خدمت رستخیز نوین قرار دهیم. درین صورت می شود که گفت (اکنون دگر روئین تنیم!)

نتیجه : بهتر است ، عوض جدالهای ملامتی و سلامتی همدیگر، توجه را به آینده معطوف سازیم، گذشته را به تاریخ سپرده، دیروز را صلوه آینده را هوشیار باشیم. هوشیاری در متعهد شدن به منافع ملی، خنثی کردن دسیسه ها، نجات از غرق شدن در سیاهی، جلوگیری از عقبگرد مُهلک و ایجاد همدلی است.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

باید روئین تن می بودیم، که نیستیم